

تاول بر زبان عاقبت زخم زبان زدن به آیت الله شاه آبادی

مرحوم آیت الله محمد علی شاه آبادی عارف کاملی بود که کرامت * او همان کرامت جدشان رسول الله (ص) و امامان معصومین (س) است، کرامات ایشان زنده کردن چوب بی جان و تبدیل به اژدها نبود، زنده کردن مردگان و شفای بیمار نبود، بلکه او می کوشید تا روح انسان ها را زنده کند و مرض های روحی آنها را شفا بخشد، که این شفا بخشی روح بالاتر از حیات جسم است، او روح را زنده می کند که بتواند از هفت آسمان بگذرد و به عرش الهی متصل شود.

نقل است از مرحوم آیت الله شیخ محمد شاه آبادی فرزند آیت الله شاه آبادی، که در زمان قدیم حمام های عمومی دارای خزینه بود، روزی مرحوم آیت الله محمد علی شاه آبادی (ره) به حمام رفته بودند و پس از شست و شوی خود، وارد خزینه شدند و بعد از آب کشیدن بدن، بیرون آمدند؛ هنگامی که می خواستند از سطح حمام بگذرند، احتیاط می کردند که آب های کثیف بر بدنشان نریزد.

سرهنگی که در حمام بود، چون احتیاط ایشان را دید، زبان به طعن و تمسخر گشود و به ایشان اهانت کرد.

آیت الله شاه آبادی از این تمسخر و زخم زبان او خیلی ناراحت شدند، اما ادب کردند و چیزی نگفتند و به راه خود ادامه دادند.

فردای آن روز مشغول تدریس بودند، صدای عده ای که جنازه ای را حمل می کردند، شنیدند، پرسیدند چه خبر شده؟ چه کسی فوت کرده؟ اطرافیان جواب دادند که آن سرهنگی که دیروز در حمام به شما اهانت کرد، وقتی از حمام بیرون آمد، سر زبانش تاول زد و درد آن هر لحظه بیشتر شد و معالجه ی دکترها هم هیچ سودی نبخشید و در کمتر از ۲۴ ساعت، از دنیا رفت...

بعدها، هر وقت که آیت الله شاه آبادی از این قضیه یاد می کردند، متأثر و ناراحت می شدند و می فرمودند: «ای کاش آن روز در حمام به او پرخاش کرده و ناراحتی خود را بروز می دادم تا گرفتار نشود.»

به کوشش: امیر محسن سلطان احمدی

منابع:

آسمانی/شمس و الشمس/ص۴۳

آسمان عرفان/شماره ۷۱ از مجموعه دیدار با ابرار